شنبه ۸ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

حمید پارسانیا، دبیر علمی دومین همایش هیئت و آیین‌های مذهبی:

انقلاب اسلامی با هیئات جریان اجتماعی شد

همایش علمی هیئت و آیین‌های مذهبی که در نخستین سال خود با محوریت هیئت در آینه تاریخ برگزار شد، در سال دوم به سراغ روایت اجتماعی هیئت رفته است. دبیر علمی همایش در سال دوم، حمید پارسانیا، مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این همایش به همت مرکز تخصصی احیاء امر و با همکاری اندیشکده هیئت وابسته به سازمان هیئت و تشکل‌های دینی در ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ برگزار خواهد شد و از حمایت دانشگاه‌های سراسر کشور و مجموعه‌های علمی متعدد برخوردار است. به منظور شناخت ابعاد مختلف این همایش علمی، با حمید پارسانیا، دبیر علمی همایش و سیدرضا مؤیدی، مسئول دبیرخانه دائمی همایش گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

هدف اصلی برگزاری همایش علمی هیئت و آیین‌های مذهبی چیست؟

پارسانیا

هیئات مذهبی در تاریخ معاصر ایران نقش فعالی داشتند و از مشروطه تا بعد از انقلاب اسلامی به شکلی انقلاب با هیئات جریان اجتماعی شد. اکنون نیز هیئت هویت تأثیرگذاری برای جریان‌های اجتماعی موجود دارد. البته قوام هیئات با مناسکی که دارد، نظیر مداحی‌ها، اشعار، منابر، وعظ و خطابه‌ها، با بخش مهم زندگی مردم و انسجام اجتماعی و هویت‌بخشی جامعه فعال است. قاعدتاً یک چنین موضوع فعالی باید در بعد افق نظری جامعه تبیین و تحلیل خود را داشته باشد هم برای شناخت آن، هم برای اینکه چه پروسه و فرایندی در آن در حال رخ دادن است. اگر یک بازاندیشی صورت گیرد، این خود به یک نوع خودآگاهی اجتماعی منجر می‌شود. چون هیئت هویت اجتماعی دارد، شناخت آن‌ها موجب خودآگاهی اجتماعی می‌شود. این یک نیاز جدی جامعه ماست که باید به آن پرداخت. تأمل و تفکر در مورد هیئات، تأمل درباره خود و هویت اجتماعی و جمعی است. برای امتداد دادن و برای آسیب‌شناسی هیئت، خودشناسی آن لازم است.

همایش علمی هیئت و آیین‌های مذهبی براساس چه دغدغه‌ای متولد شد؟

مؤیدی

این همایش بر اساس یک دغدغه متولد شد. یکی از مسائل بسیار مهمی که به نظر می‌رسد در علوم انسانی و اجتماعی به طرز عجیبی مورد غفلت واقع شده و درباره آن صحبت نشده و ادبیات علمی درباره آن به‌طور شایسته تولید نشده، مسئله هیئت‌های مذهبی است. هیئت یک امر ریشه‌دار در تاریخ ما است و در تار و پود جامعه ایرانی در هم تنیده شده است. حداقل در دو ماه محرم و صفر میلیون‌ها انسان به صحنه می‌آیند و در قالب هیئات و آیین‌های مذهبی کنشگری می‌کنند. این غیر از مناسبت‌ها و ایام دیگر است که این محافل رونق دارد. اما چنین موضوعی با این وسعت و اهمیت، متأسفانه در علوم انسانی و اجتماعی ما به آن پرداخته نشده است. از طرف دیگر، ما می‌دانیم که هیئات مذهبی ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای دارند و اختصاص به جامعه تشیّع دارند، اما کماکان به حداکثر بهره‌وری که می‌توانند داشته باشند، نرسیده‌اند. برای اینکه از این ظرفیت استفاده شود، قدم اول این است که ما ابتدا ابعاد این پدیده هیئت را بشناسیم. پدیده هیئت باید مورد مطالعه علمی و دانشگاهی هدفمند، نظام‌مند و روش‌مند قرار گیرد. این اقدام موجب می‌شود که یک حرکت علمی نظام‌مند در کشور راه بیفتد که همایش علمی هیئت و آیین‌های مذهبی در همین راستاست تا نگاه علمی به هیئت در جامعه علمی تثبیت شود و گفتمان‌سازی صورت گیرد. جدای از اینکه ما هیئت می‌رویم و مخاطب هیئت هستیم، خود این پدیده قابل بررسی علمی است تا بتوانیم ابعاد مختلفش را بشناسیم و از ظرفیت‌های آن حداکثر بهره‌برداری را کنیم. این همان هدف اصلی برگزاری همایش است. از ابتدای تیرماه فراخوان دومین همایش هیئت اعلام شد و تا پایان آبان ماه هم فرصت دریافت مقالات بود و خود همایش هم ان‌شاءالله در هجدهم بهمن ماه سال جاری برگزار می‌شود.

چه موضوعاتی در این دوره از همایش هیئت و آیین‌های مذهبی پوشش داده خواهد شد؟

پارسانیا

انتخاب روایت اجتماعی هیئت برای این دوره از همایش به‌صورت هوشمندانه صورت گرفته است. چون نظام ذهنی علمی جامعه ما معمولاً در حوزه مسائل اجتماعی از ادبیات و نظریه‌هایی استفاده می‌کند که این نظریات تولید این زیست‌بوم نیستند و هرچند ممکن است از زاویه‌ای مفید باشند، می‌توانند آسیب‌زا هم باشند. لذا به همین دلیل تأمل و معرفت نسبت به هیئت و بازاندیشی نسبت به هیئت یک ضرورت است برای جامعه و این همایش موجب غنا بخشیدن به جامعه علمی می‌شود. ما به این قلمرو دانش نیاز مضاعفی داریم، این در شرایطی است که نظریه‌های متعارض در عرض هم در میدان فعالیت هستند. از آنجایی که هیئت یک پدیده دینی است، علمی که بخواهد بعد اجتماعی مسئله را ببیند، از سنخ جامعه‌شناسی دین است. در جامعه‌شناسی دین نظریات بسیار متکثری در عرض مکاتب جامعه‌شناختی داریم.

خود جامعه‌شناسان دین توجه دارند که برخی از این نظریات سوژه و ابژه خود را منحل کرده و از بین می‌برند. هیئت خودش نوعی زیست و ارتباط با جهان دارد، باید دید آیا نظریه‌ای که می‌خواهد هیئت را تحلیل کند با زیست‌جهان خود این هیئت انسی دارد یا نه؟ نمی‌گویم نظریات حتماً باید این ویژگی را داشته باشند، اما می‌خواهم بگویم اگر انسی نداشته باشند (صرف‌نظر از درست یا غلط بودن آن نظریات)، به احتمال زیاد ابژه خود را استحاله می‌کند و اگر در آن زیست شکل نگرفته باشد، ممکن است بحران‌زا هم برای هیئت باشد. این چالش موجب می‌شود که برگردیم این حوزه نظریه را بازاندیشی کنیم.

علت انتخاب این موضوعات برای همایش چه بوده است؟

پارسانیا

اگر هیئات با مسائلی مواجه باشند، حل آن مسائل با شناخت آن‌ها و شناخت خود هویت هیئت صورت می‌گیرد. قاعدتاً این نشست‌ها می‌تواند کمک کند اگر هیئت‌ها با مسائل و تهدیدها و آفت‌هایی مواجه باشند، بدون یک خودآگاهی و بازشناسی نسبت به آن، حل مسائل هیئت صورت نمی‌گیرد. مسئله وقتی به وجود می‌آید، برای حل آن هیئت اقدام می‌کند. اقدام اول با یک معرفت ضمنی است و معرفت‌های ضمنی می‌تواند مفید هم باشد. البته این معرفت‌های ضمنی اگر نظم و عمق و انسجام بیشتری پیدا کند، حل مسائل را بهتر می‌تواند انجام دهد. منتها باید توجه داشت که همان‌طور که خود هیئات در معرض آسیب هستند و قبض و بسط پیدا می‌کنند، بحث‌های تئوریک آن هم در معرض آسیب هستند. این همایش‌ها هم باید خود هیئت را به بحث بگذارد، هم باید شناخت خود هیئات را یعنی این سوژه را هم باز مورد بررسی قرار دهد.

تفاوت‌های این دوره از همایش با دوره قبلی چیست؟

مؤیدی

اولین دوره از همایش به تاریخ و گذشته هیئت می‌پرداخت و همایش امسال بیشتر ناظر به مسائل روز و نگاه اجتماعی به هیئت است و رویکرد اجتماعی و نگاه جامعه‌شناسانه آن پررنگ‌تر است.

دستاوردهای اولین همایش هیئت در دوره قبلی چه بوده است؟

مؤیدی

باید عرض کنم دستاوردها همیشه متناظر اهداف و دغدغه‌ها باید بررسی و ارزیابی شوند. همان‌طور که عرض کردم، بیشترین دغدغه ما در حوزه گفتمان‌سازی و ترویج نگاه دینی به هیئت و شبکه‌سازی بین نخبگان در این زمینه است که فکر می‌کنم تا حد زیادی هم موفق بودیم. این را بر اساس بازخوردهای بسیار زیادی که در همایش سال اول و همایش امسال داشتیم عرض می‌کنم. بسیاری از افراد و پژوهشگران و حتی استادان دانشگاه و دانشجویان به ما می‌گفتند ما تصور نمی‌کردیم که بتوان به هیئت هم نگاه علمی داشت و این پدیده چقدر قابلیت مطالعه و مباحثه علمی دارد. به دلیل آنکه ما از کودکی در یک جامعه مذهبی رشد کردیم و از ابتدا با هیئات و آیین‌های مذهبی مأنوس بودیم، این پدیده برای ما عادی شده و ما به هیئت عادت کرده‌ایم، بنابراین هیچ‌وقت از این زاویه به آن نگاه نکردیم که هیئت را هم باید مورد مطالعه علمی قرار داد و چقدر ابعاد و زوایای مختلفی دارد و چقدر با سطوح مختلف جامعه ما پیوند برقرار می‌کند. این میزان بازخوردی که از افراد مختلف داشتیم، نشانه این است که یک خودآگاهی علمی دارد ایجاد می‌شود و هدف اصلی برگزاری همایش هم همین بود. این بزرگ‌ترین دستاورد است.

برای برگزاری دومین همایش علمی هیئت چه تمهیدات و پیش‌نشست‌هایی برگزار شده است؟

مؤیدی

تا این لحظه که دارم با شما صحبت می‌کنم، حدود ده پیش‌نشست تخصصی با موضوعات مختلف برگزار شده است که اطلاع‌رسانی همه آن‌ها و اخبارشان از طریق سایت و کانال و خبرگزاری‌ها در دسترس است. این پیش‌نشست‌ها مقدمات برگزاری همایش را تمهید می‌کنند و یک آمادگی ذهنی برای مخاطبان و پژوهشگران ایجاد می‌شود. از طرف دیگر، ما تلاش داشتیم بسیاری از جامعه و مخاطبان هیئتی خودمان را هم پای کار بیاوریم تا علاقه‌مند شوند که علاوه بر استفاده و بهره‌ای که از هیئت می‌برند، در این زمینه قلم هم بزنند و بنویسند. طبیعتاً کسانی هستند که هیئت را از نزدیک چشیده‌اند و با آن آشنایی دارند، حتماً بهتر از دیگران در شناسایی ابعاد مختلف این پدیده دقت نظر خواهند داشت.

برای اینکه این دستاوردها هم در جامعه علمی و هم در سطح هیئات پیگیری و کاربردی شود چه باید کرد؟

مؤیدی

باید عرض کنم ما وظیفه داریم که نتایج علمی و کاربردی حاصل از همایش را در دسترس عموم قرار داده و منتشر کنیم. همچنین به‌طور خاص با هیئات خودمان و نهادهای مرتبط فرهنگی ارتباط بگیریم و دستاوردهای پژوهشی را در اختیار آن‌ها قرار دهیم و کمک و مشاوره فکری به آن‌ها بدهیم. این وظیفه ماست. در سطح کلان‌تر اگر بخواهم عرض کنم، راه حل همان گفتمان‌سازی است که عرض شد. این مسئله باید به یک گفتمان تبدیل شود و در جامعه به صورت فراگیر رواج پیدا کند و جای خودش را باز کند. هر سال افراد بیشتری در این حوزه شرکت کنند و قلم بزنند و حتی محدود به این همایش هم نباشد و کلاً این موضوع به دغدغه پژوهشگران تبدیل شود.

وقتی افراد بیشتری دغدغه پیدا کردند و در این عرصه حضور علمی پیدا کردند، دستاوردهای علمی آن هم سرریز می‌کند در هیئات و آیین‌های مذهبی ما و آن جنبه‌های اثرگذاری مثبت خودش را نشان می‌دهد.

آیا این همایش تأثیرات ملموسی بر هیئات خواهد گذاشت؟

پارسانیا

خود اهل هیئت با معرفت ضمنی خودشان آسیب‌شناسی هیئت را انجام می‌دهند و اقدام می‌کنند. البته این معرفت اگر بخواهد قوی و غنی باشد، باید شکل علمی پیدا کند. اما درباره هیئت اندیشیدن دیگر خود اهل هیئت چندان درگیر مسئله نیستند، مگر اهل تأمل و تفکری باشند یعنی هر دو زیست هیئت و تفکر را تجربه کرده باشند و بعد چالش‌های این دو قسمت را ببینند. آن موقع شناخت هیئت و معرفت علمی نسبتاً می‌تواند مسئله‌شان باشد. نظریه‌های علوم انسانی این‌گونه است که سوژه و ابژه در هم تنیده‌اند. من فکر می‌کنم که ادبیات جامعه‌شناسی مدرن هیچ وقت به لحاظ هویت فرهنگی مدرن چالش‌برانگیز نیست، چون از دل آن حوزه برخاسته است. اما وقتی به یک عالم دیگری می‌آید که با یک رویکرد دیگری زیست و زندگی دارد، اینجا قاعدتاً تحلیل‌هایی که می‌کند به دلیل اینکه روی ابژه خودش اثرگذار است، مخصوصاً اگر کسی که دارد تحلیل می‌کند خودش ابژه هم باشد یعنی اهل هیئت باشد، این چالش‌ها احساس می‌شود و این چالش باید حل شود. در انتها کسی که در این حوزه کار می‌کند ممکن است به یک راهکاری دست یابد که به تقویت دینی منجر شود.

برگزاری این همایش در این مقطع زمانی و با توجه به تحولات منطقه چه پیامی خواهد داشت؟

مؤیدی

قطعاً ارتباط بسیار جدّی و وسیعی بین موضوع این همایش و تحولات منطقه وجود دارد. به این معنا که اساساً آن مقاومتی که امروز ما در منطقه در مقابل استکبار جهانی و رژیم صهیونی شاهدش هستیم، برآمده از یک تفکر آیینی و دینی است نه هیچ تفکر و مکتب فکری دیگر. این تفکر آیینی و دینی در همین هیئات و آیین‌های مذهبی بالنده شده و پرورش پیدا کرده است و همین رزمندگانی که امروز در سطح منطقه از فلسطین اشغالی تا حزب‌الله لبنان تا مجاهدین یمنی و رزمندگان عراقی مقاومت می‌کنند، در همین روحیه حماسی و مذهبی ریشه دارند. تا جایی که می‌توانم خدمتتان عرض کنم، بعضی از پژوهشگران که مقالاتی برای همایش امسال نوشته‌اند، موضوعشان دقیقاً همین بوده است. به‌طور مثال، نحوه اثرگذاری هیئات مذهبی و روضه و بکا بر مصائب سیدالشهدا و اهل بیت(ع) و منابر وعظ و خطابه و... بر روحیه و تفکر مقاومت رزمندگان حزب‌الله لبنان. بنابراین حتماً آن روحیه مقاومت و شهادتی که امروز در منطقه شاهدش هستیم، پیوند بسیار عمیقی با هیئات و آیین‌های مذهبی دارد.

چه دولت‌هایی توسعه را به ارمغان می‌آورند؟

سیدحسین امامی
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی

چرا برخی از کشورهای جهان به توسعه دست یافتند و برخی دیگر در مسیر توسعه‌اند و برخی دیگر هنوز در کوچه پس کوچه‌های عقب‌ماندگی‌اند و شاید حتی رو به پسرفت می‌روند؟ به این سؤال می‌توان از منظرهای مختلف جواب داد. یک زاویه مهم رابطه میان حکومت و دولت مستقر در کشور و توسعه است. چه ارتباطی بین نوع حکومت و توسعه، خصوصاً توسعه اقتصادی وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان طیفی از دیدگاه‌ها و رویکردها را مشاهده کرد. متعارف‌ترین دیدگاه در پاسخ به سؤال ذکر شده را می‌توان در اندیشه «آمارتیا سن»، فیلسوف و اقتصاددان هندی‌تبار انگلستان و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ دید. وی معتقد است کشورهای دموکراتیک می‌توانند وضعیت بهتری از نظر اقتصادی برای مردم خود به ارمغان بیاورند. او در کتاب «توسعه به مثابه آزادی» نشان می‌دهد چگونه «استبداد» می‌تواند سبب قحطی شود، حتی زمانی که مواد غذایی به وفور وجود دارد. سن با نفی ایده بازار آزاد نئولیبرال معتقد است مسئولیت بیشتر برای رفاه جامعه باید نه به بازار بلکه به دولت واگذار شود؛ البته دولتی مردمی که حساس به نیاز شهروندانش باشد و هم‌زمان نگران توسعه منابع انسانی آن‌ها.

سن که دموکراسی را مهم‌ترین دستاورد بشر می‌داند مدعی است هیچ زمان قحطی بزرگی در حکومت‌های مردم‌سالار رخ نمی‌دهد. وی با ارائه شواهد می‌گوید هیچ‌گاه قحطی بزرگی در یک کشور با حکومت مردمی -هرچند هم فقیر باشد- رخ نداده است. پاسخ او هم بسیار ساده است؛ یک دولت در یک حکومت مردمی چندحزبی با انتخابات آزاد و رسانه‌های آزاد انگیزه‌های سیاسی قوی‌ای برای پیشگیری از وقوع قحطی دارد.

آمارتیا سن در بررسی ترجیح مردم کشورهای جهان سوم به دوگانه آزادی سیاسی و حل مسائل و نیازهای اقتصادی با اعتقادی راسخ می‌گوید: «آزادی سیاسی مورد توجه مردم خواهد بود و تأمین نیازهای اقتصادی از این رهگذر امکان‌پذیر است.» وی حتی تأکید می‌کند که شدت نیازهای اقتصادی به فوریت آزادی‌های سیاسی می‌افزاید نه آنکه از آن بکاهد.

در واقع ادعا این است که اگر فقرا حق انتخاب بین آزادی‌های سیاسی و تأمین نیازهای اقتصادی داشته باشند، آن‌ها به طور قاطع دومی را انتخاب می‌کنند؛ اما سن معتقد است این ادعا را که شهروندان کشورهای جهان سوم نسبت به حقوق سیاسی و مردمی بی‌تفاوتند یا اگر بخواهند یکی از این دو را برگزینند مسلماً تأمین نیازهای اقتصادی را می‌پسندند، می‌توان در انتخابات آزاد با آزادی بیان و اظهارنظر مخالف به آزمون مردمی بگذاریم.

سن قبول دارد که بعضی از حکومت‌های نسبتاً اقتدارگرا (همچون کره‌جنوبی، سنگاپور و چین پس از اصلاحات) نرخ سریع‌تر رشد اقتصادی داشته‌اند تا بسیاری از کشورهای کمتر اقتدارگرا همچون هند، کاستاریکا و جامائیکا. اما این موارد را استثناء می‌داند و می‌نویسد: «ما نمی‌توانیم رشد اقتصادی بالای چین یا کره‌جنوبی را دلیل قطعی تلقی کنیم که اقتدارگرایی در ارتقای رشد اقتصادی بهتر عمل می‌کند.» وی کشور بوتسوانا را مثال می‌زند که سریع‌ترین رشد اقتصادی در آفریقا و یکی از سریع‌ترین رشدهای جهانی را دارد و در عین حال پیشقراول مردم‌سالاری در قاره آفریقاست.

سن در نهایت تصریح می‌کند شواهد کلی نسبتاً ناچیزی وجود دارد مبتنی‌بر اینکه دولت اقتدارگرا و سرکوب حقوق سیاسی و مدنی در ترغیب توسعه اقتصادی مفید هستند.

«دارون عجم‌اوغلو» و «جیمز رابینسون» برندگان جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۲۴ در کتاب مشهور «دالان باریک» معتقدند برای پدیدار شدن و شکوفایی آزادی، هم دولت و هم جامعه باید قدرتمند باشند. برای کنترل خشونت، اجرای قانون و ارائه خدمات عمومی ضروری برای یک زندگی که در آن انسان‌ها قادر به انجام و پیگیری تصمیمات خود باشند، به دولت قدرتمند نیاز است. برای کنترل و مهار دولت قدرتمند، جامعه قدرتمند و بسیج شده نیاز است.

آن‌ها معتقدند ما بین ترس و سرکوب به وجود آمده در دولت‌های مستبد و خشونت و بی‌قانونی ناشی از غیاب این دولت‌ها، یک دالان باریک و تنگ به سوی آزادی وجود دارد. در این دالان است که دولت و جامعه یکدیگر را متوازن می‌کنند. این توازن مربوط به کشمکشی دائمی و روزانه بین دولت و جامعه است که سودهایی هم دربردارد. در این دالان، دولت و جامعه فقط با هم رقابت نمی‌کنند، بلکه با هم همکاری هم می‌کنند. این همکاری ظرفیت بیشتری برای دولت جهت ارائه چیزهایی که جامعه می‌خواهد به‌وجود می‌آورد و بسیج اجتماعی بیشتری جهت نظارت بر این ظرفیت پرورش می‌دهد.

تعامل دولت و جامعه، تکلیف وضعیت آزادی انسان و حفظ و تداوم آن را روشن می‌سازد. اگر دولت بیش از اندازه قوی و جامعه خیلی ضعیف باشد مسیر استبداد طی می‌شود. اگر جامعه دولت‌ستیز و اقتدارگریز باشد، دولت غایب و هرج‌ومرج و آشوب و ناامنی فراگیر می‌شود، اما اگر دولت قوی در بند جامعه قوی و در مقابل آن پاسخگو باشد، سرنوشت بشر «آزادی و حرمت به آزادی» خواهد بود.

نسخه نهایی عجم‌اوغلو و رابینسون این است: «حکومت و فرادستان حکومتی باید قبول و تحمل غل و زنجیرهایی که جامعه بر دست‌وپاهایشان می‌بینند را بیاموزند و بخش‌های مختلف جامعه باید یاد بگیرند به‌رغم اختلافشان به همکاری با یکدیگر بپردازند.»

جامعه قوی، دولت قوی را روی کار می‌آورد و دولت قوی، جامعه قوی را پرورش می‌دهد. در واقع رابطه دیالکتیکی بین این دو برقرار است و در ادامه این دیالکتیک، رشد و توسعه حاصل می‌شود.